

چگونه مذهب انسانیت و آینده جهان را به خطر می اندازد - حنیف معلم

شاید همه ی آنچه که در ادامه می خواهیم بگویم، در هم این جمله خلاصه میشود:

" آنجا که خرد و دانش به پایان می رسد، مذهب و دین آغاز می گردد."

به راستی هیچ چیز به اندازه دلیل و منطق نمی تواند با مذهب و خرافات و تعصب و همچنین انسانهای مذهبی در تضاد و دوگانگی باشد.

از سوی دیگر، اگر شخصی خود توانایی به کار گیری خرد و وجدان خویش را داشته باشد، دیگر نیازی به پیروی از دین و مذهب را ندارد در حالی که آنانکه از دستورات مذهبی و به شکل کورکورانه پیروی می کنند، دیگر خرد و اندیشه را به کار نخواهند برد.

نقل قولی است که می گوید: " گذار از مذهب به آزاد اندیشی و خرد، بسیار شبیه هنگامی است که از خواب عمیق یا مستی، به حالت بیداری و هوشیاری می رسیم."

و اگر هنوز عده ای بر این باورند و گمان می کنند که باور مندان و آنان که به خدا و مذهب اعتقاد دارند، شادمان تر و آسوده تر از نا باوران هستند، مایلیم توجهشان را به این موضوع جلب کنم که یک انسان مست یا کسی که تحت تاثیر مواد مخدر در حالت نشنگی به سر می برد هم شاید از یک انسان هوشیار، آسوده تر و با نگرانی کمتری باشد!

شادمانی ناشی از زود باوری و ساده اندیشی و باورهای مذهبی، بسیار فرومایه، خطرناک و فریبنده است.

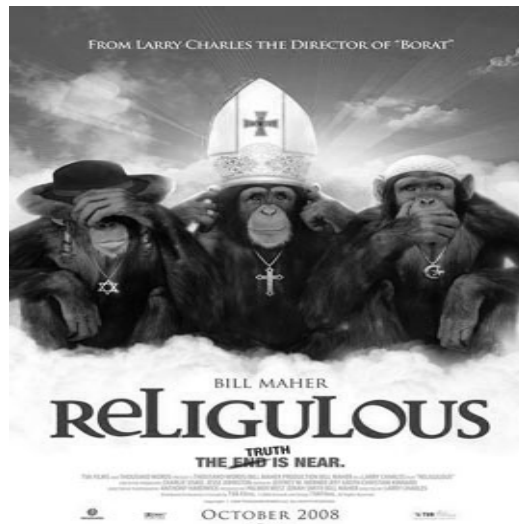
در عین حال، امروز و در قرن بیست و یکم، ما باید در برابر خطر های ناشی از مذهب که جهان را تهدید می کند، بسیار هوشیار باشیم چرا که شما هرگز یک نفر را نمی بینید و پیدا نمی کنید که انطور با شادمانی و با احساس خوشنودی دست به کارهای اهریمنی و هولناک بزنند مگر زمانی که از روی دستورات مذهبی بوده و با توجه به وعده های الهی صورت پذیرد.

حملات تروریستی یازدهم سپتامبر در نیویورک و یا انفجارهای قطار های مادرید و یا مترو های لندن یا ده ها و صد ها بمبگذاری انتحاری که در گوشه و کنار جهان امروز صورت می گیرد را در نظر بگیرید و تصورش را بکنید روزی را که مسلمانان به صلاحهای هسته ای دست یابند و با به کار گیری بمب های اتمی دست به اینگونه اقدامات بزنند.

به طور کلی، بدون مذهب یا با مذهب، شما انسانهای پلیدی را شاید پیدا کنید که دست به کارهای وحشیانه و هولناکی بزنند و در عین حال انسانهای نیکویی که کارهای سخاوتمندانه و نیک می کنند، اما اگر بخواهید انسان نیکویی را وادار کنید که با خوشنودی و شادمانی کامل، عمل هولناکی را مرتکب شود، آنگاه باید با قوانین مذهبی و برای رضایت خداوند او را به این کار وادار کنید.

کوتاه سخن، به طور کلی مذهب به طور بنیادی و پایه ای با هر آنچه که من می توانم معیاری برای انسانیت به حساب آورم، در تضاد است؛ با شجاعت، با آزاد اندیشی، با خرد و هوشیاری، با صداقت و خوبی و راستی و انصاف و بالاتر از همه، با حقیقت و گرمی داشتن حقیقت، به راستی مذهب به طور اساسی با همه اینها در تضاد است.

در اواخر سال 2008 میلادی، یک شاهکار بزرگ، فیلم مستندی بود که توسط آقای "بیل ماهر"، منتقد سیاسی و مذهبی آمریکایی ساخته شد. ایشان در این فیلم به کشورهای گوناگونی سفر می کند و مذاهب گوناگون را بررسی کرده و مورد پرسش قرار می دهد و در پایان فیلم نیز به درستی نتیجه گیری می کند که وجود مذهب برای انسانیت خطرناک بوده و می تواند آینده جهان را برای بشر مورد تهدید قرار دهد.



اما یک نکته جالب دیگر در کنار این فیلم که مایلیم به آن اشاره کنم، پوستر تبلیغاتی آن بود که سه میمون را نشان می داد؛ شانپانزه اولی، کلاه و نشان یهودیان را دارد و جلوی چشمانش را گرفته، دومی کلاه پاپ را به سر دارد و صلیب به گردن آویخته و گوسفه ای خود را بسته است و میمون سوم با کلاه و نشان مسلمانان، جلوی دهان خود را بسته است و این خود گویای همه چیز

هست که این سه میمون نه تنها به شما اجازه ی اندیشیدن نمی دهند، که چشم و گوش و دهان شما را هم بسته و اجازه بیان یا شنیدن هر گونه انتقاد و یا حتی دیدن حقیقت را از شما می گیرند و هر آنچه این موجودات به شما ارائه می کنند، باید با چشم و گوش و دهان بسته بپذیرید.

اما به راستی اکنون دیگر قرن بیست و یکم است، حالا دیگر ماهواره و اینترنت و کامپیوتر و تلفن های موبایل هستند که دنیا را اداره میکنند. آیا به راستی دیگر هنوز هم در دوران شاتل های فضایی و کامپیوتر های جیبی، جایی برای این خرافات و مزخرفات مذهبی و ورد خواندن و جادو و زاده شدن از دختر باکره یا سوار بر اسب، هفت آسمان را گشتن و یا ظهور تازی هرگز دیده نشده ای از ژرفای چاهی باقی می ماند؟

شگفتا که حتی من ملتی با هزارها سال تمدن را سراغ دارم که نگاره ی ملای خونخواری را با اطمینان کامل در ماه مشاهده کرد و همه ی اینها به راستی جریان گرفته از گمراهی و خواب مذهبی است.

اکنون دیگر گاه بیداری است- حالا قرن بیست و یکم است، به راستی دیگر زمان بدرود گفتن به ورد و جادو و مذهب فرا رسیده است مردم! بیدار شوید! بگزارید دلالات دین دیگر به سراغ کار دیگری بروند و حرفه ی به درد بخوری برای انسانیت برای خودشان دست و پا کنند!

دین فروشان، همانند آن سه میمون روی پوستر فیلم که پیشتر به آن اشاره کردم، جلوی دیدن، شنیدن و کلام شما را می خواهند که بگیرند، اما دیگر به راستی گاه بیداری و اندیشه فرا رسیده.

بدیهی است که دین فروشان نمی خواهند که شما اندیشه کنید چرا که بیداری و اندیشیدن مردم، به معنای بیکاری آنها خواهد بود؛ سنگین ترین وزنه ای که آن پاپ احمق در زندگی اش جا به جا کرده، آن صلیب لعنتی اش بوده و همواره هم همچون خدایان با او رفتار شده.

ملایان مسلمان و یهودی نیز به همین ترتیب، قرن هاست که بر شانه های دنباله رویان خویش سواری می کنند و دست به کشتار و خونریزی مخالفان خود میزنند.

پرسش من از شما مردم اینست که این چه محصول نامرئی ای است که شما ناگزیرید از این دلالات حقه باز بخريد و فروش این محصول نیز همواره با زور شمشیر و خونریزی و تهدید و ارعاب همراه بوده و شما مشتریان آن چاره ای نداشته اید جز یا پذیرفتن چشم و گوش بسته و بی چون و چرای این محصول و یا سوختن در آتش جهنم و خشم الهی و یا کشته شدن به دست همین دین فروشان اهریمن خوی؟!

من در اینجا به جرات می خواهم اعلام کنم- همانطور که بسیاری نیز پیش از این گفته اند- که مذهب تنها می تواند یک بیماری روانی باشد که به مبتلایان آن وجهه قابل پذیرشی برای اعمال دیوانه وار و جنون آمیز و اهریمنی که انجام می دهند میدهد و آنان را از اندیشیدن باز می دارد.

بایستی این موضوع را دریابیم که حتی اگر یک میلیارد انسان، با باور قوی به چیزی اعتقاد دارند، آن مسئله هنوز هم می تواند کاملاً مضحک و چرند باشد! همانگونه که بسیاری از مسائل بوده که پیشتر به گونه ای دیگر از آنها برداشت می شده و بعد ها با پیشرفت دانش، حقیقتی کاملاً متفاوت در مورد آن پدیدار گشته است.

اکنون دیگر زمان آن فرا رسیده که مردم بیدار شوند و این نکته را دریابند که یک فانوس دریایی که ساخته دانش است، بسیار سودمند تر است و می تواند راه را نشانشان دهد تا مسجد ها و کلیسا ها که ساخته خرافات هستند!

اکنون باید بدانیم که خطر گسترش جنگ افزارهای هسته ای در کنار عملیات جهاد جهانی و بمب گذاری های انتحاری بنیادگرایان و مسلمانان افراطی با پیروی از الله و از روی دستورات قرآن و گسترش تروریسم هسته ای و درگیری ادیان با یکدیگر، میتواند همان روز رستاخیز و قیامتی باشد که ادیان از آن خبر می دهند و همان سبب نابودی هستی شود.

به همین خاطر است که همه ی ما آته ایست ها و ناباوران مذهب، بایستی با شجاعت گام پیش بگذاریم و با صدایی رسا به جهانیان نسبت به این موضوع هشدار دهیم.

به راستی، بهترین دنیا، آن دنیایی می شد که هیچ مذهب و در نتیجه هیچ جنایت و خون ریزی ای در آن وجود نداشت.

در واقع حقیقت آشکار این است که مذهب بایستی از بین برود تا انسانیت از نابودی نجات یابد. چرا که تنها همین باور که جهان روزی به پایان می رسد و روز رستاخیزی در کار است، کافی است تا همه ی انگیزه ها را برای ساختن جهانی که در آن زندگی می کنیم از انسان بگیرد.

حرف آخر این که، بیدار شوید یا نابود خواهید شد!

حنیف معلم